

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما میتونید با مراجعه به Google Play نرم افزار Skytravels و با مراجعه به App Store نرم افزار Skytravellers را دانلود نمایید.

020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



یادداشت روز ص ۲

خیال خام از «امارت خیالی طالبان»

طالبان سه روز پس از آن که عملیات نظامی بهاری شان را زیر نام «عمری» اعلام کردند، بر شهر قندوز حمله بردند. قوماندان امنیه ی ولایت قندوز به رسانه ها گفته است که نیروهای امنیتی حملات طالبان را که برای سقوط مجدد شهر قندوز به راه انداخته شده بود، شکست داده اند. طالبان حملات نظامی شان را همزمان در شش ولسوالی و اطراف شهر قندوز راه اندازی کرده بودند. مسئولان این ولایت گفته اند که در این درگیری ها تلفات زیادی به طالبان وارد شده است.

حکومت به اعلام عملیات بهاری طالبان در روزهای اول واکنش نشان داده و آن را تبلیغاتی، خیالی و تکراری خواند. در عین حال حکومت از راه اندازی عملیات «شفق» خبر داد و گفت در این عملیات ضربتی سنگینی به طالبان وارد شده است. واقع نیز همین است که طالبان با اعلام عملیات بهاری شان برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه استفاده ی تبلیغاتی می کنند. این گروه هیچ فرصت و زمانی را جهت حمله بر مواضع دولت از دست نمی دهد. موضع حکومت در مقابل عملیات بهاری طالبان نیز واکنشی بود نه بیانگر یک استراتژی منظم نظامی. آنچه را سخن گویان حکومت در باب راه اندازی عملیات بهاری طالبان...

مقام های محلی: حملات طالبان برای سقوط دوباره ی قندوز شکست خورد



صفحه ۲

صفحه ۴

«اسلام»؛ حدیث تلخ گم شدگی ها

(یادداشتی بر کتاب «اسلام» نوشته ی علی امیری)

«بیاید از خود بیرسیم، یعنی آن چه را که به حد پرسش نمی رسد، به صورت پرسش مطرح کنیم» (مورس بلانشو، غیاب کتاب).

چیزی کم یک سال از نشر کتاب «اسلام» نوشته ی علی امیری می گذرد. تا آن جا که این قلم می داند، جز چیزهایی در برنامه ی رونمایی این کتاب، دیگر هنوز کسی حاضر نشده در مورد آن ...



پاک کاری کانال های آبیاری

به سلسله تطبیق عملی پروژه حفظ و مراقبت و کاریابی برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، اخیراً پاک کاری کانال های آبیاری در ولایات بدخشان و تخار، راه اندازی شد. پروژه وجه نقدی حفظ و مراقبت که زیر چتر برنامه ملی ایجاد کار برای صلح، راه اندازی شده است در کنار اینکه زمینه های بازسازی و ترمیم پروژه های عام المنفعه برنامه همبستگی وزارت احیا و انکشاف دهات را فراهم می سازد، برای عده کثیری از هموطنان روستایی ما نیز امکان دسترسی به کارهای کوتاه مدت و دراز مدت را به میان می آورد.

یکی از این کانال ها در شهر فیض آباد ولایت بدخشان موقعیت دارد که بر اساس پروژه حفظ و مراقبت، کار پاک کاری آن آغاز شده است. باید یادآور شده که کانال شهر جدید فیض آباد از ناحیه چته شروع گردیده در قسمت سنگ مهر به دو قسمت تقسیم می شود. یک قسمت آن الی قریه چته و آبسیتی ولسوالی ارگو جریان دارد و استقامت دومی از طریق سیفون بالای دریای کوچک عبور نموده تا ختم ساحه فامیلی های دشت قرع می رسد که پنج شورا را در برمی گیرد. ضمناً کانال مذکور در سرسبزی و زیبایی شهر فیض آباد و نواحی مربوط به آن نیز رول ارزنده و قابل توجهی را بازی می کند.

پاک کاری کانال شهر نو به اساس سروی و تقسیم بندی شورا های مربوطه، در اواخر حوت ۱۳۹۴ آغاز شده و جریان کار آن از طرف انجنیران مربوطه نظارت می گردد. کار در این پروژه، زمینه اشتغال را برای یک تعداد از هموطنان بدخشانی ما فراهم آورده که در ختم هر روز کاری، حضری کارگران توسط مسؤل مربوط گرفته می شود و براساس آن برای شان مزد لازم پرداخت می گردد.

باید یادآور شد که طول مجموعی این کانال (۲۲،۴۵۳) کیلومتر و حجم مجموعی پاک کاری کانال (۳۵۱۱۰) مترمکعب بوده و (۲۷) شورای انکشافی در پاک کاری آن سهم دارند که از این جمله (۲۰) شورای آن مربوط ولسوالی فیض آباد مرکز ولایت بدخشان و (۷) شورای انکشافی باقیمانده آن مربوط به ولسوالی ارگو است. ضمناً با تکمیل پاک کاری کانال مذکور مجموعاً (۱۸۵۰) هکتار زمین زراعتی تحت آبیاری قرار گرفته و حدود (۵۹۳۱) فامیل از این کانال استفاده می نمایند که مستفید شوندگان مستقیم آن به (۳۷۵۳۲) تن و غیر مستقیم آن به (۱۸۷۶۶۰) تن می رسد.

در تداوم تطبیق پروژه وجه نقدی حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، کار پاک کاری دو کانال دیگر نیز در ولسوالی رستاق ولایت تخار روی دست گرفته شده است که یکی آن مربوط شهرنو و دیگر آن مربوط به شهر کهنه می باشد.

طول کانال شهر نو (۸،۲) کیلومتر بوده و مربوط (۷) شورای انکشافی قریه می شود و به تعداد (۱۴۴۱) فامیل در آبیاری (۲۱۹۷) جریب زمین شان از آن مستفید می شوند. هم چنان کانال مذکور در سرسبزی و زیبایی شهر نیز رول به سزایی داشته و در کنار این مزیت برای عده یی از هموطنان تخاری ما زمینه اشتغال به کار نیز فراهم می گردد.

به همین گونه، طول کانال شهر کهنه (۷،۲) کیلومتر بوده و (۸) شورا انکشافی قریه در آن ذیدخل اند که به تعداد (۱۴۷۲) فامیل در آبیاری (۳۰۰۰) جریب زمین زراعتی شان از آن مستفید می شوند. این کانال علاوه بر آبیاری زمین های زراعتی در سرسبزی و زیبایی شهر نیز از نقش برارنده یی برخوردار است.

تطبیق پروژه حفظ و مراقبت برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، یک گام ارزشمند و قابل تأمل در راستای بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی هموطنان روستایی ما بوده و با تداوم آن، چشم انداز روشنی از راه و انکشاف قریه های افغانستان در برابر ما گشوده می شود. حکومت وحدت ملی، با این ابتکار ارزشمند، خواسته است تا از یکسو زمینه های اشتغال را برای هموطنان بی بضاعت ما فراهم آورد و از جانبی هم سهم خویش را در تداوم و بقای زیر ساخت های انکشافی و اقتصادی کشور که در طول بیشتر از یک دهه به میان آمده است، ایفا نماید.



اداره اطلاعات عامه برنامه همبستگی ملی
وزارت احیا و انکشاف دهات

	اطلاعات روز	
	شنبه	
	۲۸ حمل	
	۱۳۹۵	
	سال پنجم	
	شماره ۱۰۴۶	

یادداشت روز

خیال خام از «امارت خیالی طالبان»

کله جواد ناجی

طالبان سه روز پس از آن که عملیات نظامی بهاری‌شان را زیر نام «عمری» اعلام کردند، بر شهر قندوز حمله بردند. قوماندان امنیه‌ی ولایت قندوز به رسانه‌ها گفته است که نیروهای امنیتی حملات طالبان را که برای سقوط مجدد شهر قندوز به‌راه انداخته شده بود، شکست داده‌اند. طالبان حملات نظامی‌شان را همزمان در شش ولسوالی و اطراف شهر قندوز راه‌اندازی کرده بودند. مسئولان این ولایت گفته‌اند که در این درگیری‌ها تلفات زیادی به طالبان وارد شده است.

حکومت به اعلام عملیات بهاری طالبان در روزهای اول واکنش نشان داده و آن را تبلیغاتی، خیالی و تکراری خواند. در عین‌حال حکومت از راه‌اندازی عملیات «شفق» خبر داد و گفت در این عملیات ضربه‌ی سنگینی به طالبان وارد شده است. واقع نیز همین است که طالبان با اعلام عملیات بهاری‌شان برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه استفاده‌ی تبلیغاتی می‌کنند. این گروه هیچ فرصت و زمانی را جهت حمله بر مواضع دولت از دست نمی‌دهد. موضع حکومت در مقابل عملیات بهاری طالبان نیز واکنشی بود نه بیانگر یک استراتژی منظم نظامی. آن‌چه را سخن‌گویان حکومت در باب راه‌اندازی عملیات بهاری طالبان گفتند هم جنبه‌ی تبلیغاتی داشت. سخن‌گوی وزارت داخله، امارت اسلامی طالبان را خیالی خواند. خیالی خواندن گروهی که نزدیک به یک سوم خاک کشور را در دست دارند بیش از آن‌که ریشه در واقعیت داشته باشد بیانگر توهمی است که حکومت نسبت به دشمن بی‌رحم خود دارد.

عملیات عمری طالبان چه تبلیغات باشد یا خلق چالش واقعی برای حکومت، مردم اما به توانایی سربازانی که در خط مقدم جنگ از هیچ تلاشی برای دفاع از تمامیت ارضی کشور و حفظ جان شهروندان دریغ نمی‌ورزند، اعتماد دارند. شکی وجود ندارد که در رویارویی برنده‌ی نبرد، نیروهای امنیتی است. دل‌نگرانی اصلی مردم اما، سیاست‌های کلان امنیتی است که از سوی مسئولین و سران حکومت به اجرا گذاشته می‌شوند. آن‌چه در سال گذشته در قندوز اتفاق افتاد و طالبان توانستند با سقوط این شهر برای سه روز کنترل مرکز این ولایت را به‌دست بگیرند بخشی از سیاست امنیتی سران حکومت بود نه فقدان توانایی نیروهای رزمی. طالبان بدون آن‌که با مقاومت نیروهای امنیتی مواجه شوند قندوز را شکست دادند و سربازان مستقر در این ولایت اجازه‌ی شلیک به جنگجویان طالبان را نداشتند. پس از سقوط قندوز حکومت اقدامات لازم را برای نابودی طالبان انجام نداد و بارها از حمله‌ی مجدد طالبان بر این شهر گزارش شد. آن‌چه امروز در قندوز و بخش‌هایی از کشور جریان دارد نتیجه‌ی سیاست‌های امنیتی‌بی است که مسئولین درجه‌اول حکومت وحدت ملی در پیش گرفته‌اند.

در بغلان نیز عین مسأله جریان دارد. حکومت پس از هزینه‌های زیادی دندغوری و دند شهاب‌الدین را از وجود طالبان پاکسازی کرد. البته حکومت زمانی وارد عمل شد که برق کابل برای مدت‌ها قطع شده بود و انتقادهای زیادی از حکومت صورت گرفت. در حال حاضر طالبان در این مناطق مجدداً بازگشته‌اند و این محصول تفاهم‌نامه‌یی است که وزیر سرحدات حکومت وحدت ملی با طالبان بسته بود.

تا زمانی‌که رویکرد امنیتی حکومت نسبت به دشمنان سوگندخورده‌ی مردم افغانستان تغییر نکند، و سران حکومت با چنین شیوه همچنان به کارشان ادامه بدهند، در آینده شاهد حملات بیشتر طالبان خواهیم بود. ارمغان این رویکرد برای حکومت بدنامی و ناکامی بوده است و برای مردم، زندگی‌یی پیوسته مواجه با خطر.

مقام‌های محلی:

حملات طالبان برای سقوط دوباره‌ی قندوز

شکست خورد

والی قندوز به باشندگان این ولایت اطمینان داده است که اکنون اوضاع در کنترل نیروهای دولتی است و تهدیدات کوچکی که باقی مانده نیز از بین خواهد رفت.

از سوی هم گزارش‌هایی وجود دارد که خبر می‌دهد با حمله‌ی طالبان بر قندوز سبب شده که راه مواصلاتی قندوز و تخار مسدود شود. والی قندوز با تأیید مسدود شدن راه مواصلاتی ولسوالی خان‌آباد گفته است که در پهلوی پیشبرد عملیات، عملیات بازگشایی این راه نیز ادامه دارد.

در ماه میزان سال گذشته جنگجویان طالب از چند جهت بر شهر قندوز حمله کرده و مرکز شهر را برای مدت سه روز در کنترل داشتند. نیروهای امنیتی با حمایت نیروهای هوایی پس از راه‌اندازی عملیات گسترده شهر را از کنترل طالبان خارج کردند.

حمله بر شهر قندوز چند روز پس از اعلام عملیات بهاری طالبان زیر نام «عمری» صورت می‌گیرد. ظاهراً طالبان به‌صورت فوری عملیات‌شان را در نقاط مختلف کشور عملاً آغاز کرده‌اند. هفته‌ی گذشته طالبان مناطق دندغوری و دند شهاب‌الدین ولایت بغلان را نیز سقوط دادند.

رییس‌جمهور ایران در دیدار با عبدالله‌عبدالله:

ایران در تلاش است تا مهاجران افغان را ثبت‌نام کند

خواست‌های عمده‌ی افغانستان بود.

در ماه جدی سال گذشته وزارت امور مهاجرین و عودت‌کنندگان اعلام کرد که مشکلات مهاجران افغان در ایران در صحبت با وزیر کشور (داخله) این کشور مطرح و توافق شد که تمامی مهاجران فاقد مدرک شناسایی شده و برای‌شان مدرک داده شود. رییس اجراییه در حاشیه‌ی نشست سران کشورهای اسلامی با رهبران شماری دیگر از کشورها نیز دیدار کرده است.

آمادگی مالیزیا برای سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در افغانستان

آقای عبدالله در حاشیه‌ی این نشست با نجیب رزاق، صدر اعظم مالیزیا دیدار کرده است. آقای رزاق در این کشور گفته است که سکتور خصوصی کشورش در صورت مساعد بودن وضعیت آماده است که در افغانستان سرمایه‌گذاری‌های بزرگ کند.

همچنان رزاق گفته کشورش آماده است که طرح و تطبیق برنامه‌ی ویژه برای کودکان‌های افغانستان را مطرح کند. او تعهد کرده که افغانستان را در عرصه‌های اصلاحات اداری، ارتقای ظرفیت کارمندان ملی، اعطای بورس‌های تحصیلی و تبادل تجارت در عرصه‌ی اقتصادی کمک کند.

از سوی دیگر آقای عبدالله در دیدار با ممنون‌حسین، رییس‌جمهور پاکستان، دو طرف روی روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان افغانستان و پاکستان، همکاری‌های منطقی، استفاده‌ی مشترک از فرصت‌های اقتصادی، روند گفت‌وگو‌های صلح و مبارزه‌ی مؤثر با تروریسم گفت‌وگو کرده‌اند.

بیش از ۱۰۰ قاضی از وظایف‌شان برکنار شده‌اند.

از سوی وزارت امور خارجه‌ی امریکا به نشر رسید، گفته بود، دولت افغانستان غرض کاهش خشونت و نقض حقوق بشری مردم، اقدامات جدی و اصلاحی را در ساختارهای عدلی و قضایی کشور مورد تطبیق قرار داده است.

دفتر مطبوعاتی ریاست جمهوری در اعلامیه‌یی نوشته است: «غرض دسترسی به عدالت، ستره‌محکمه‌ی افغانستان بیشتر از یک‌صد قضات محاکم مرافعه‌ی ۳۴ ولایت را برطرف و اصلاحات کادری در بیشتر از ۵۰۰ مورد دیگر را تطبیق نموده است.»

ریاست‌جمهوری می‌گوید که این اصلاحات به‌خاطری روی دست گرفته شده تا از این طریق عاملان موارد نقض حقوق بشر را مورد بازپرس قرار داده و حسابده سازد.

پیشتر فرید حمیدی، رییس دادستانی کل کشور هنگام ارائه‌ی برنامه‌هایش در مجلس نمایندگان گفته بود که اداره‌ی دادستانی کل یکی از ادارات مهم برای تأمین قانون و عدالت است و برای مبارزه با فساد باید اول فساد در این اداره از بین برده شود.

والی نام‌نهاد طالبان برای غزنی

در لباس زنانه دست گیر شد

اطلاعات روز: ریاست عمومی امنیت ملی می‌گوید که مأموران این اداره قاری یوسف، والی نام‌نهاد گروه طالبان برای ولایت غزنی را در لباس زنانه دست‌گیر کرده‌اند.

امنیت ملی در خبرنامه‌یی که امروز به نشر رسانده گفته است که قاری یوسف از روستای شیخ‌امیر ولسوالی گریز ولایت خوست، زمانی که می‌خواست از منطقه فرار کند در لباس زنانه بازداشت شده‌است. در خبرنامه آمده: «قاری یوسف به‌شکل ذلت‌بار و شرم‌آور در لباس زنانه هنگامی دستگیر گردید که می‌خواست از قریه‌ی مذکور فرار نماید.»

به گفته‌ی امنیت ملی، والی نام‌نهاد طالبان قصد داشته‌است یک حمله‌ی تهاجمی را بالای تأسیسات امنیتی راه‌اندازی کند. اما امنیت ملی توضیح نداده که این عضو گروه طالبان قصد داشته در کدام ولایت حملات تهاجمی انجام دهد.

گروه طالبان با روش‌های مختلف حملات انتحاری و تهاجمی انجام می‌دهد، استفاده از لباس زنانه در راه‌اندازی حملات انتحاری میان اعضای این گروه مرسوم است، اما شاید این نخستین‌بار باشد که یک والی این گروه در لباس زنانه دست‌گیر می‌شود.

۴۱ عضو داعش در ولسوالی اچین

ننگرهار کشته شدند

اطلاعات روز: وزارت دفاع اعلام کرده است که در نتیجه‌ی حملات هوایی نیروهای خارجی بر یک مرکز تمرینات نظامی گروه داعش در ولسوالی اچین ولایت ننگرهار، ۴۱ عضو این گروه کشته شده‌اند.

وزارت دفاع در خبرنامه‌یی که امروز به نشر رسانده، گفته است که این حملات روز گذشته به کمک نیروهای امنیتی افغانستان صورت گرفته است.

به گفته‌ی وزارت دفاع، حمله‌ی هوایی زمانی انجام شد که جنگجویان داعش در حال تمرینات نظامی بوده‌اند.

خبرنامه افزوده که در این حمله به غیرنظامیان آسیب نرسیده است. ولسوالی اچین از ولسوالی‌های ناامن ننگرهار و خواستگاه اصلی گروه داعش در افغانستان است. وزارت دفاع می‌گوید که با از بین بردن تروریستان داعش این ولسوالی به ساحه‌ی امن تبدیل خواهد شد.

سخن‌گوی ناتو: داعش در افغانستان در حال شکست خوردن است

اطلاعات روز: چارلز کلیفلند، یک جنرال امریکایی و سخن‌گوی نیروهای مأموریت حمایت قاطع (تحت رهبری ناتو) گفته است که گروه داعش در افغانستان در حال از دست دادن قدرت و شکست خوردن است.

آقای کلیفلند افزوده که سه ماه قبل، گروه داعش بین شش تا هشت ولسوالی را در افغانستان در کنترل داشت اما حالا صرف دو تا سه ولسوالی را در تصرفش دارد.

به نقل از صدای امریکا، این جنرال امریکایی گفته است: «ما فکر می‌کنیم که به‌طور قابل ملاحظه‌یی حضور آن‌ها را در افغانستان کاهش داده‌ایم.»

به گفته‌ی او، ایالات متحده‌ی امریکا در سه ماه گذشته در حدود ۷۰ تا ۸۰ حمله‌ی هوایی را علیه داعش در افغانستان به‌راه انداخته است. جنگجویان داعش حدود دو سال پیش فعالیت‌شان را در افغانستان آغاز کردند، ولسوالی اچین در ننگرهار از خاستگاه اصلی این گروه در افغانستان است. این گروه بیشتر در ولایت‌های ننگرهار، هلمند، فراه، غزنی، ارزگان و زابل حضور داشته و به‌صورت پراکنده فعالیت کرده‌اند.

براساس آمار ارتش امریکا، میان ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ جنگجوی داعش در افغانستان حضور دارند. جنرال کلیفلند گفته است که نیروهای ناتو سنگرهای داعش را متلاشی می‌کنند. گفته می‌شود که جنگجویان داعش به طرف ولایت‌های کتر و نورستان هم‌مرز با پاکستان درحال فرار هستند.

در اوایل ماه جاری سخن‌گوی وزارت دفاع نیز گفته بود که گروه داعش در افغانستان شکست خورده است.

نگرانی روسیه

در حالی‌که مقام‌های ناتو و افغانستان بر شکست گروه داعش در افغانستان تأکید دارند اما روسیه همواره از فعالیت این گروه در افغانستان ابراز نگرانی کرده و هشدار داده است. چندی پیش ضمیر کابلوف، نماینده‌ی ویژه‌ی روسیه در امور افغانستان و پاکستان از گسترش فعالیت‌های داعش در افغانستان هشدار داده بود.

آقای کابلوف شمار جنگجویان داعش در افغانستان را ده هزار تن برآورد کرده و گفته بود که از تابستان سال ۲۰۱۴ تاکنون، فعالیت‌های گروه داعش به‌طور قابل توجهی در افغانستان رشد کرده است.

کابلوف دلیل اصلی رشد گروه داعش را شعارها و منابع مالی این گروه، عنوان کرده است.

اما سخن‌گوی وزارت دفاع این گفته‌ها را تبلیغات خوانده و گفته بود که داعش در هر نقطه‌ی افغانستان نابود شده‌است.

افغانستان: بازنگری در استراتژی گذار

در نهایت، روند خروج درحالی اتفاق افتاد که پناهگاه‌های منطقه‌ای تروریسم هنوز بر جای خود باقی بود. هیچ سیاست مشخصی وجود نداشت تا کشورهای منطقه را برای مبارزه با تروریسم در سطح منطقه‌ای تحت فشار بگذارد و امکان همکاری‌های دولت‌ها با یکدیگر را بالا ببرد. به این ترتیب، زمانی که از چشم‌انداز گسترده‌تری بنگریم، تهدیدات علیه مردم و دولت افغانستان هنوز هم قدرتمند است. پناهگاه‌های تروریستی در پاکستان، همان‌گونه که جنرال بازنشسته جان ام. کین به اعضای کمیته‌ی خدمات نیروهای مسلح سنا گفته بود، بر وخیم‌شدن مداوم اوضاع امنیتی در افغانستان سهم داشته است.

سال ۲۰۱۵، از هر لحاظ سال دشواری برای نیروهای امنیت ملی افغانستان بود که بعد از خروج نیروهای بین‌المللی همچنان درحال مبارزه در جنگ علیه تروریسم هستند. حملات بر نیروهای امنیت ملی و غیرنظامیان تشدید یافته و تعداد تلفات نیروهای امنیتی نیز افزایش یافته است.

علی‌رغم افزایش حملات طالبان و دولت اسلامی (دولت اسلامی عراق و شام، داعش)، همچنین دیگر گروه‌های غیرنظامی در افغانستان، نیروهای امنیت ملی افغانستان در دفاع از کشور و فراهم کردن سطحی از امنیت برای شهروندان خود موفق شده‌اند. این نشان می‌دهد که نیروهای امنیت ملی تعهد و انگیزه‌های وطن‌پرستانه برای مبارزه با تروریسم دارند. اما سرنوشت جنگ در افغانستان تنها با اراده‌ی منطقه‌ای و بین‌المللی برای جنگ با ترور تعیین خواهد شد. بنابراین، زمان آن رسیده است تا در رابطه با پیامدهای سیاست‌گذاری‌های سال ۲۰۱۵، جنبه‌های منطقه‌ای تهدیدات، و مسئولیت‌های مشترک در جنگ علیه ترور بازنگری کنیم.

در سال ۲۰۱۵، گروه‌های تروریستی حملات خود را از جنوب شرقی افغانستان به مناطق شمالی کشور گسترش داده‌اند. طالبان تنها گروهی نبودند که بر نیروهای امنیتی حمله کرده و غیرنظامیان را به قتل رساندند. داعش، جنبش اسلامی ازبکستان، اتحادیه‌ی جهاد اسلامی، و دیگر گروه‌های تروریستی نیز نقش عمده‌ی در بدتر شدن اوضاع امنیتی ایفا کرده‌اند. باتوجه به سطح آمادگی‌ها پیش از آغاز روند انتقال امنیت و جنبه‌های منطقه‌ای تهدیدات امنیتی، وخامت اوضاع امنیتی چندان شگفت‌آور نیست.

نخست: ائتلاف تحت رهبری ایالات متحده، به جای پیاده کردن یک پالیسی تدریجی برای روند انتقال، خروج سریع نظامی را تضمین کرد که همزمان با ائتلاف سیاسی افغانستان و زوال متناقض اقتصاد انجام گرفت. جامعه‌ی بین‌المللی نیروهای امنیتی افغانستان را حتماً بدون تجهیزات کافی به حال خود رها کرد. در نتیجه، سال ۲۰۱۵ سخت‌ترین سال برای نیروهای امنیتی افغانستان پس از سال ۲۰۰۱ بود، درحالی که آن‌ها مسئولیت کامل نیروهای امنیتی را با وجود بالاترین سطح تلفات برعهده گرفته بودند.

دوم: پس از خروج نیروهای بین‌المللی، نیروهای بین‌المللی افغانستان با استقرار در سراسر کشور، از بدخشان تا قندوز در شمال، تا ننگرهار در شرق، و هلمند در جنوب، پراکنده شدند. پراکندگی نیروها در این کشور کوهستانی، بدون حمایت نیروهای هوایی و تجهیزات نظامی کافی، نیروهای امنیتی و رهبری آن‌ها را با چالش‌های جدی مواجه ساخت.

سوم: تجمع شبکه‌های تروریستی منطقه‌ای مانند داعش، همچنین گروه‌های تروریستی جنوب آسیا و آسیای مرکزی در افغانستان، بر جنگ با ترور تأثیرگذار بوده است. با آغاز اجرای فرآیند خروج، هیچ پالیسی روشنی برای پیش‌بینی هجوم احتمالی دیگر گروه‌های تروریستی به افغانستان وجود نداشت. درحقیقت، تهدیدات به وجودآمده توسط دیگر گروه‌های تروریستی با وابستگی قدرتمند یا نزدیکی ایدئولوژیکی با طالبان و القاعده، نادیده گرفته شده بود. خروج سریع نیروهای بین‌المللی به تجمع گروه‌های تروریستی مانند طالبان، داعش، القاعده، جنبش اسلامی

دیپلمات / عباس فراسو
ترجمه: معصومه عرفانی



ازبکستان، جندالله، جندالخلیفه، جماعت انصارالله و اتحادیه‌ی جهاد اسلامی، همه در سال ۲۰۱۵ در افغانستان تجمع کنند. در نهایت، روند خروج درحالی اتفاق افتاد که پناهگاه‌های منطقه‌ای تروریسم هنوز بر جای خود باقی بود. هیچ سیاست مشخصی وجود نداشت تا کشورهای منطقه را برای مبارزه با تروریسم در سطح منطقه‌ای تحت فشار بگذارد و امکان همکاری‌های دولت‌ها با یکدیگر را بالا ببرد. به این ترتیب، زمانی که از چشم‌انداز گسترده‌تری بنگریم، تهدیدات علیه مردم و دولت افغانستان هنوز هم قدرتمند است. پناهگاه‌های تروریستی در پاکستان، همان‌گونه که جنرال بازنشسته جان ام. کین به اعضای کمیته‌ی خدمات نیروهای مسلح سنا گفته بود، بر وخیم‌شدن مداوم اوضاع امنیتی در افغانستان سهم داشته است.

تمام عوامل ذکرشده در بالا، بر وضعیت امنیتی تأثیرگذار بوده و تلفات نیروهای امنیتی افغانستان را در سال ۲۰۱۵ افزایش داده است. دو برداشت مهم از سیاست‌گذاری‌ها وجود داشته است. نخست این که خروج سریع نیروهای بین‌المللی در ایجاد این وضعیت اثر داشته است. نیروهای امنیتی افغانستان مسئولیت بزرگی در طول دوره‌ی انتقال بر عهده گرفتند؛ آن‌ها باید با همان دشمنی مواجه می‌شدند که بیش از ۱۰۰۰۰ نیروی بین‌المللی از بیش از ۵۰ کشور، برای بیش از یک دهه با آن جنگیده بودند. پالیسی خروج سریع نیروها باید بازنگری قرار بگیرد تا افغانستان بتواند با چالش‌های امنیتی مقابله کند.

دوم این که پیامدهای سیاست‌گذاری‌های ۲۰۱۵ ضرورت تجدیدنظر در سطح تهدیدات تروریستی و ابعاد منطقه‌ای آن را مطرح می‌کند. فرض غالب بر این است که گروه‌های جهادی شبه‌نظامی تنها کشورهای خاصی را تهدید می‌کنند، گرچه احتمالاً گاهی مشکلاتی برای امنیت بین‌المللی نیز به وجود می‌آورند. اما تاریخ گروه‌های جهادی نشان می‌دهد که این گروه‌ها منجر به تهدیدات به مراتب جدی‌تر و فاجعه‌بارتری برای ثبات دولت‌ها در سطح بین‌المللی هستند. برای مثال، وضعیت شرق میانه، حملات تروریستی در اروپا، و گسترش جهادگرایی شبه‌نظامی در جنوب شرق آسیا نشان می‌دهد که تروریست به هیچ مرزی محدود نمی‌شود.

افغانستان بارها در رابطه با این تهدید به جهان هشدار داده است و رویکرد مشارکتی در هر دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی در این زمینه اتخاذ کرده است. در تاریخ ۳۰ سپتامبر، دولت افغانستان توافقنامه‌ی امنیتی دو جانبه را با ایالات متحده و توافقنامه‌ی وضعیت نیروها را با ناتو به امضا رساند. شورای امنیت سازمان ملل قطعنامه‌ی ۲۱۸۹ در حمایت از مأموریت بین‌المللی جدید در افغانستان را تصویب کرد. بنابراین، چارچوبی برای همکاری‌های درازمدت درحال حاضر آماده است.

ازسوی دیگر، دو روایت مهم از اوضاع امنیتی وجود دارد که درک مناسبی از جنگ با ترور را تضعیف کرده است. اولین روایت قدرتمند این است که عملیات‌های نظامی علیه گروه‌های تروریستی مانند داعش، طالبان و دیگر گروه‌ها، راه‌حل نیستند. با این‌همه، حقیقت این است که برخلاف این روایت، بدون تضمین جایگاهی برتر در میدان جنگ، گفت‌وگوهای صلح تحقق نخواهد یافت. روایت دوم این است که پاکستان بر طالبان «کنترل» ندارد. اما پایگاه گروه‌هایی مانند شورای کوپته و شبکه‌ی



شنبه
۲۸ حمل
۱۳۹۵
سال پنجم
شماره ۱۰۴۶



خبرنگار وارانشی

هادی دریایی

هر کس خوش نیست پس برود خارج!

اگر موفق شویم تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی خویش را خوب درست بخوانیم و بفهمیم، متوجه خواهیم شد که تهدید در تاریخ پنج‌هزار ساله‌ی ما، جایگاه صد‌هزار ساله دارد. تهدید نظر به فهم و توان آدم‌ها، تعاریف متفاوت دارد. اما این‌جا افغانستان است و در افغانستان چیزهای وطنی جایگاه خاص خودش را دارد. از شیر حیوانات تمیزالعین ما گرفته تا میوه‌های درختان عزیز افغانستان همه بی‌نظیر است. از این که در سایر تولیدات از قبیل لباس، عینک دودی، موتر، کامپیوتر و امثالش مثالی نمی‌توانم بزنم، شرمندهم و از تک‌تک شما عذر می‌خواهم. حالا دشمنان افغانستان فکر نکنند ما توانایی تولید این چیزها را نداریم، بلکه داریم اما برای چند قرن دیگر به تعویق انداخته‌ایم و فعلاً مصروف سفارش‌های دیگر هستیم.

بهر صورت، از اصل مسأله دور نشویم. گفتیم که همه چیز وطنی‌اش باکیفیت است و قربان چیزهای وطنی! حالا تهدید هم تهدیدهای وطنی. در خارج تهدید کردن خیلی ضعیف است. مثلاً یک نفر هزده سال است کلب زیبایی اندام رفته و حالا سر یک نفر بسیار اعصابش خراب شده، می‌دانی به چه تهدید می‌کنند؟ به این که دیگر هم‌رایت حرف نمی‌زنم. می‌بینید چه یک تهدید زنانه و دخترانه است؟! اما تهدیدهای وطنی؛ اوه اوه اوه! خوبی که ما داریم این است که همیشه تهدید می‌کنیم و همیشه تهدید می‌شویم. فارغ از این که کاری از دست ما ساخته باشد یا نه.

البته همه‌ی تهدیدهای وطنی اصل نیستند. بعضی‌ها اصل و بعضی‌ها تقلبی هستند. مثلاً طالبان که تهدید می‌کنند، ما حق نداریم با آن شوخی کنیم. اگر فکر کنیم که طالبان شوخی کرده، یک وقت متوجه می‌شویم که ده‌ها نفر سر قبر ما ایستاده، نماز جنازه می‌خوانند و از خدا می‌خواهند که همین بیچاره را هم بهشت ببر. ناق کشته شد. بعد وقتی حکومت طالبان را تهدید می‌کنند، در این قسمت می‌توانیم مختار باشیم که بخندیم یا نخندیم. چون اتفاق خاصی نمی‌افتد. مثلاً همین چند ماه پیش که طالبان هنوز عملیات عمری خویش را آغاز نکرده بودند، زمزمه بود که حکومت متقاعد شده که پاکستان دست از تجهیز و تمویل تروریستان برمی‌دارند، بناءً تنها راه باقی‌مانده سرکوب تروریستان است. بعد هی تهدید می‌کردند که با فرارسیدن بهار، با توپ و تانک و طیاره سراغ طالبان خواهیم رفت. آن‌هایی را که دست از جنگ برنمی‌دارند، خواهیم کشت. اما چند روز دیگر، متوجه می‌شوید که ۳۱ سنبله شده و هیچ اتفاقی نیفتاده. همه تانک‌ها زیر خاک گم است. طیاره‌ها هر روز صافی می‌شوند، اما دوباره خاک می‌گیرند. توپ‌ها هم محض سلفی گرفتن از قندهار به هلمند، از هلمند به قندوز، از قندوز به غزنی دست‌به‌دست می‌شوند.

حالا من امیدوارم شما نقش تهدید را در باروری تاریخ پنج‌هزار ساله و تداوم این تاریخ برپا برای پنج‌هزار سال دیگر که وعده‌ی آن امضا شده را فهمیده باشید. اگر نفهمیده‌اید به سفر آخر جان‌کری در کابل توجه کنید. او آمد و یک شب در کابل ماند، اما دو هفته است که ما سر کیسه‌ی تهدید خویش را شل کردیم و از چارپغل تهدیدش می‌کنیم. او را تهدید می‌کنیم که ما قانون اساسی داریم که حدود کار و منافع ما را تعریف می‌کند. ما مردم داریم که حق دارند برای مملکت خویش تصمیم بگیرند و از این قبیل تهدیدها... اما جان واقعاً جان است، همه چیز است. هم قانون اساسی است، هم مردم افغانستان است، هم اشرف‌غنی است، هم عبدالله و هم هم‌تاهای خصوصی‌اش. سرتان بد نخورد، ما همه آزاده‌ایم و فرمان‌بردار هیچ قدرتی نیستیم.

گفتم که خارجی‌ها تهدید بلد نیستند، خیلی هم که به کلب پرورش اندام رفته باشند، یک تهدید زنانه می‌کنند و خلاص! گفته می‌شود جان‌کری هم وقتی شنیده ما چقدر او را تهدید می‌کنیم، به یکی زنگ زده و گفته که حوصله‌ی ما حد دارد، روی حوصله‌ی ما گلیم آوار کرده، چارقد ننشین!

گفته می‌شود همین یک جمله کافیهست تا حکومت وحدت ملی با خیال آسوده پنج سال زمان قانونی‌اش را سر کند. از آن به‌بعدش خدا مهربان است.

قدرت خداست دیگر. ما که تهدیدمان کمتر از کشتن نیست، چنان عاقلیم که با یک جمله‌ی ساده می‌فهمیم حکومت وحدت ملی باید تا چه زمانی ادامه یابد و اصلاً گور بابای توافق‌نامه‌ی سیاسی و لویه‌جرگه و تعدیل قانون اساسی و تغییر نظام حکومت و اصلاح نظام انتخاباتی و پاسخ‌گویی و فلان بمدان‌های دیگرش!

ما همینیم! هر کس خوش نیست پس برود به خارج!

«اسلام»؛ حدیث تلخ گم‌شدگی‌ها

(یادداشتی بر کتاب «اسلام» نوشته‌ی علی امیری)

کتابخانه عمران راتب



«بیباید از خود بپرسیم، یعنی آن‌چه را که به حد پرسش نمی‌رسد، به‌صورت پرسش مطرح کنیم» (موریس بلانشو، غیاب کتاب).

چیزی کم یک سال از نشر کتاب «اسلام» نوشته‌ی علی امیری می‌گذرد. تا آن‌جا که این قلم می‌داند، جز چیزهایی در برنامه‌ی رونمایی این کتاب، دیگر هنوز کسی حاضر نشده در مورد آن حرفی بزند. این خاموشی خیر از غربت اندیشه و نپرداختن به متن در زمانه و دیار ما دارد. باری و به‌ترتیب، حالا که من این کوتاهه را می‌نویسم، بنا را بر این گذارده‌ام که خواننده‌ی این متن، آن کتاب را نیز خوانده است تا ناگزیر نباشم متن را با بازگویی پی‌هم نمونه‌ها، طولانی بسازم. قبل از آن اما، یک نکته:

در میان برخی از اصحاب هرمنوتیک و معناشناسی (نمونه، رولان بارت)، باور بر این است که مفسر، درک نزدیک‌تر به واقع نسبت به خالق متن، از متن دارد. زیرا بنا بر آن است که متن‌آفرین، به کمک تجربه و توانایی شخصی‌اش، تنها توانسته از یک چشم‌انداز بر متن تحت کارش نظر افکند، اما مفسر در کنار چشم‌داشت به این چشم‌انداز متن‌آفرین، از بهره‌گیری از دیگر چشم‌اندازها و رویکردها نیز غافل نمانده و کنش‌های کلامی بیشتری را برای تبیین مسأله در اختیار دارد. در ضمن، ممکن است خالق متن در درک متن خودش، نیت خاصی را هم دنبال نماید که این مسأله متن را جهت‌دار می‌سازد، اما مخاطب این نیت را ندانسته و متن را مبتنی بر واقعیت‌ها، به‌دور از هرگونه نیت یا حب و بغض درک می‌کند. شاید بتوان این قاعده را در مورد متن‌هایی که بعد از گذشت سال‌ها توسط مفسر اهلیت‌شناسی می‌شوند، درست‌تر دانست. زیرا عمیق‌ترین تأویل‌گر هر متنی، تاریخ است. گذشت زمان خود به‌بهترین‌وجه متن‌ها را ارزش‌یابی می‌کند و در این میان، سره از ناسره به‌خوبی قابل تفکیک می‌شود. با این حال، مفسر در کنار این که خود به بازشناسی متن‌ها دست می‌زند، آن قضاوت تاریخ را نیز مد نظر دارد. زیرا مشکل است که متن‌های تاریخ‌خورده را بدون این قضاوت تاریخی و تفسیرهایی که در طول زمان از آن‌ها شده است، به‌صورت «هم‌دلی» یا بدون در نظرداشت دیگر فاکتورهای دخیل، بتوان شناختنی ساخت. در غیر آن، کار تفسیر تا حد یک «گزارش» یا روایت و در یک کلام، تاریخ‌نگاری صرف فروکاست می‌یابد. تاریخ‌نگاری نه یک امر غیرمعمول است و نه یک کار بی‌ارزش؛ اما تاریخ‌نگاری فقط تاریخ‌نگاری است و نه «قرانت» یا «پرسی» و «نقد». از این‌رو، کار تاریخ‌نویسی اگر نام تفسیرگری گذشته را به‌خود بگیرد، بی‌مسأله می‌شود و نه فقط بی‌مسأله، بلکه خطلی است میان تاریخ‌نگاری و تفسیر. «روایتی که تاریخ را شکل می‌دهد، نه مشکلی را حل می‌کند و نه رنجی را تشریح می‌بخشد. روایت تاریخی هیچ‌گاه بر چیزی پیره نشده و نخواهد شد. تا وقتی که معنای رویدادها زنده می‌ماند... جیرگی بر گذشته می‌تواند شکل روایتی مدام مکرر به خود بگیرد» (هانا آرنهت، انسان‌ها در عصر ظلمت، ص ۶۸). حالا این گذشته متن باشد یا غیر آن، تفاوت ندارد. این نکته را از آن‌رو آوردیم که گفته باشم علی امیری در «اسلام» با چه رویکردی به متن‌های تاریخی دیده است و نیز ما «اسلام» را چگونه می‌توانیم درک کنیم.

باری، اگر روش‌شناسی تحقیق و صورت‌بندی‌تئوریک پروسه را در پژوهش‌ها یک اصل بدانیم، کمبود آن در کارهای علی امیری محدود به کتاب «اسلام» نیست. دو دفتر «خواب خرد» و «خرد آواره» نیز از همین زاویه می‌نگند (نگاه کنید به نقد عباس فراسو بر «خرد آواره» در سایت «زمین»). بالین‌وصف، من در حد توان، می‌کوشم گفتنی‌هایم را از بعد دیگری مطرح کنم؛ این که به‌دلیل واقعیت‌های عینی جامعه، انتظار یک مخاطب امروزی از این کتاب چیست و در برابر این کتاب تا چه حد این انتظار را برآورده کرده است. دوست دارم «اسلام» را حاشیه یا بهرکم، متممی بر «خرد آواره» بخوانم. بدین لحاظ که کتاب مذکور، مجملی است

کتاب کوچک «از اجتهاد به نقد عقل اسلامی» (ترجمه‌ی مهدی خلجی) دانست.

دو: امیری در این کتاب خلاف آن چیزی که سال گذشته خودش در معرفی این کتاب در صفحه‌ی فیسبوکش گفته بود، بیشتر یک تاریخ‌نگار است تا یک محقق که می‌خواهد با اسلام و مسلمانان «تسویه حساب» کند؛ تاریخ‌نگار حوزه‌ی تألیف. تأکید بر نقش شخصیت‌هایی که چونان سرنمون‌های مطلق خرد در کتاب جایگاه یافته، اهمیت‌دادن بیش از حد به زندگی آن‌ها و نقل روایت‌های مکرر از حوزه‌ی معرفتی گذشته و روشن نمودن چرایی و کجایی نسبت آن روایت‌ها با عصر حاضر و غافل‌ماندن از دیگر عوامل، حتا کار تاریخ‌نگاری

صورت‌بندی و تبیین دانایی با چنین رویکردی نه به صرفه است و نه ارزش‌مند و نه هرگز آن «طرح راه‌شب» از درون این گونه برخورد‌های روایی صرف بیرون خواهد شد (حساب «خرد آواره» از این مسأله تا حدی جداست). اما امیری در این جلوه، یک تاریخ‌نگار خوبی هم نبوده است؛ نقل قول پشت نقل قول و همه بدون تفسیر... به تعبیر مهدی خلجی وظیفه‌ی مورخ این نیست که رویدادهای تک‌افتاده را گرد آورده و آن‌ها را به‌صورت خام عرضه کند، بلکه باید همه را بر حسب نیازهای کنونی‌اش سازمان دهد، آن‌گاه دست به توضیح و تأویل آن‌ها بزند. (ارکون، از اجتهاد... پیشگفتار، ص ۲۴) که در «اسلام» چنین چیزی سخت غایب است.

امیری را تا حد یک تاریخ‌نگاری پوزیتیویستی و غیرانتقادی فروکاست داده است. محض نمونه، بخش دوم، فصل هفتم، نویسنده هنوز از این که فارابی «به‌رغم [کسب] لقب «معلم ثانی» و «مؤسس فلسفه‌ی اسلامی»، مقام او در فلسفه‌ی اسلامی هنوز به‌طور تحقیق برای اغلب ما روشن نیست»، شکوه دارد. حالا حرف این نیست که ما گویا ضرورتی به شناختن مقام فارابی یا دیگر اندیشه‌ورزان در فلسفه‌ی اسلامی نداریم، حرف این است که این شناختن صرف مقام، چه فوریت و موضوعیتی برای زندگی امروز ما دارد. در یک کلام: دوی کدام درد ما خواهد شد این شناختن؟ شاید حتا بتوانیم با شناختن «مقام فارابی» در فلسفه‌ی اسلامی، نسبت بهتر و روشن‌تری هم با زندگی و اندیشه‌ی اسلام امروزی ایجاد کنیم، اما بهتر نبود نویسنده گذشته از گالیه، وجهی این ضرورت را تبیین می‌کرد؟ یعنی تنها گزارش بدون مسأله، به‌باور من نمی‌تواند گره از مشکلات فروبسته‌ی دنیای امروز اسلام (یا زندگی ما در هر صورتش) بگشاید. این‌جا دوباره می‌خواهم برگردم به ارکون. ارکون معتقد است: «... نباید پدیده‌های بزرگ تاریخی را صرف از طریق افراد تفسیر کنیم؛ بلکه باید جنبش‌ها و ساختارهای اجتماعی عمیق را معیار چنین پدیده‌هایی قرار دهیم. این ساختارهای اجتماعی بزرگ هستند که فرد را -حتا اگر حایز برترین هوش و ذکاوت باشند- در آغوش خود می‌پرورند، و نه برعکس. ما نباید در ورطه‌ی روش‌شناسی کلاسیک و سنتی تاریخ اندیشه‌ها که قبل از ظهور علوم اجتماعی و انسانی نوین بر دانشگاه حاکم بود، فرو افتیم. چرا من این‌همه بر علوم اجتماعی تأکید می‌ورزم؟ برای این که ثابت کنم نقش جامعه از فرد مهم‌تر است؛ حتا اگر فرد نابغه، یا قهرمانی بزرگ باشد...» (چنین گفت ارکون، ص ۲، وب‌سایت طلیعه). «اسلام» اما، چنین راهی را در پیش نرفته است. (در این زمینه خواننده را دعوت به مقایسه‌ی میان این بخش و مقاله‌ی پژوهشی «فارابی و ماکیاولی» در کتاب «از سنت بلخ تا

باری، اگر روش‌شناسی تحقیق و صورت‌بندی‌تئوریک پروسه را در پژوهش‌ها یک اصل بدانیم، کمبود آن در کارهای علی امیری محدود به کتاب «اسلام» نیست. دو دفتر «خواب خرد» و «خرد آواره» نیز از همین زاویه می‌نگند (نگاه کنید به نقد عباس فراسو بر «خرد آواره» در سایت «زمین»). بالین‌وصف، من در حد توان، می‌کوشم گفتنی‌هایم را از بعد دیگری مطرح کنم؛ این که به‌دلیل واقعیت‌های عینی جامعه، انتظار یک مخاطب امروزی از این کتاب چیست و در برابر این کتاب تا چه حد این انتظار را برآورده کرده است.

حوزه‌های معرفتی، مرور می‌شود و آن‌هم به‌صورت خیلی گذرا و مختصر در حد ایجاد مخل. باری دیگر در همان بخش، «فلسفه‌ی اسلامی» تحت یک عنوان جداگانه از پرویزن بررسی عبور می‌کند بدون این که دخل و تصرفی در حوزه‌ی فرهنگ اسلامی داشته باشد. حال، چند مورد:

یک: در خصوص صورت‌بندی اندیشه در تاریخ اسلام، امیری سخن تازه‌ی نگفته است. منحنی «ظهور و زوال عقلانیت در جهان اسلام» یک امر واضح است و چیزی که در این میان به‌عنوان ارزش به کار امیری تعلق می‌گیرد، همانا مکتوب‌نمودن این منحنی است. با این وجود، کسانی دیگر، به عنوان مثال، محمد ارکون خیلی قبل‌تر از امروز این موضوع را موشگافی کرده و از خلال بازخورد انتقادی‌اش با موضوع، به نتیجه‌ی رسیده که امروز امیری از آن سخن می‌گوید. پروژه‌ی کاری ارکون در مجموع بر همین مسأله متمرکز است، اما شاید واضح‌ترین تلاش او را در این زمینه،

بر خطوط کلی «خرد آواره»: ظهور و زوال عقلانیت در جهان اسلام. با این توصیف که «اسلام» در کلیت، متشکل است از سه بخش. بخش نخست، دین و دانش‌های دینی که در واقع روایتی است از چگونگی ظهور و شکل‌گیری اسلام به‌عنوان یک ساختار معرفتی: خدا، پیامبر و قرآن؛ شریعت اسلامی؛ الهیات سیاسی و اخلاق/ عرفان. بخش دوم: فرهنگ اسلامی؛ ادب و هنر؛ علوم و فلسفه. بخش سوم و پایانی کتاب اختصاص یافته است به: اسلام معاصر؛ اسلام و سیاست؛ زوال و انحطاط؛ چالش‌ها و چشم‌اندازها و پیام اسلام. با این تفاوت که در این کتاب، همان «ظهور و زوال عقلانیت در اسلام» به‌صورت حوزه‌ی و در جلوه‌های جداگانه‌ی مورد مطالعه قرار گرفته است. محض نمونه: در بخش دوم کتاب وقتی از «فرهنگ اسلام» بحث می‌شود، موضوع از آغازین‌مراحل تبارز نموده‌ها و مظاهر فرهنگ در جهان اسلام تا امروز، بر روی یک خطی مجزا از دیگر

بر بخش «اسلام معاصر» امیری باری دیگر همان نقدی وارد است که در فقره سوم ذکر نمودم: یعنی اسلام معاصر روایت شده در آنجا نیز از صفحات کتاب فراتر نرفته و از کنار واقعیت‌های امروز اسلام بی‌خبر گذشته است؛ در ساحت عمل نه تماسی با جریانات افراطی و واپس‌گرایی اسلامی داشته (نمونه، طالبان) و نه در بساط اتفاقات روشن‌گرانه‌ی بعضی از جریانات و شخصیت‌ها یا دست کم شبه‌روشنفکرانه‌ی آن‌ها (مثلاً شریعتی و یا سروش در ایران و موجی را که هر یک به دنبال خود ایجاد کرده است- گذشته از مباحث انتزاعی و حقانیت یا ناحقانه‌ی آن‌ها.) وارد شده است که هر کدام بالاخره مدعی تفسیر درست از اسلام بوده و عمل به آن تفسیر را در جهان معاصر، به‌عنوان «اسلام معاصر» مطرح می‌کنند و چیزی انگیزه‌ی اصلی نمود و عمل این جریانات شده است. نمی‌توانیم به این راحتی خود و دیگران را قناعت بدهیم که مثلاً طالبان، داعش و امثالهم درک درستی از اسلام ندارند؛ این حرف اغفال‌گرانه‌ی است. فهم انتزاعی مسأله به کنار، بالاخره امروزه ما با آن‌ها عملاً درگیر هستیم و مسایل و مباحث این چنینی که فقط با تضمین زندگی عملی ما مجال بروز می‌یابند، به‌دست همین جریانات رقم می‌خورند. کتاب «اسلام» اما، گویا نخواسته که با دخالت در این حوزه، خودش را به درد سر بیندازد.

معاصر روایت شده در آنجا نیز از صفحات کتاب فراتر نرفته و از کنار واقعیت‌های امروز اسلام بی‌خبر گذشته است؛ در ساحت عمل نه تماسی با جریانات افراطی و واپس‌گرایی اسلامی داشته (نمونه، طالبان) و نه در بساط اتفاقات روشن‌گرانه‌ی بعضی از جریانات و شخصیت‌ها یا دست کم شبه‌روشنفکرانه‌ی آن‌ها (مثلاً شریعتی و یا سروش در ایران و موجی را که هر یک به دنبال خود ایجاد کرده است- گذشته از مباحث انتزاعی و حقانیت یا ناحقانه‌ی آن‌ها.) وارد شده است که هر کدام بالاخره مدعی تفسیر درست از اسلام بوده و عمل به آن تفسیر را در جهان معاصر، به‌عنوان «اسلام معاصر» مطرح می‌کنند و چیزی انگیزه‌ی اصلی نمود و عمل این جریانات شده است. نمی‌توانیم به این راحتی خود و دیگران را قناعت بدهیم که مثلاً طالبان، داعش و امثالهم درک درستی از اسلام ندارند؛ این حرف اغفال‌گرانه‌ی است. فهم انتزاعی مسأله به کنار، بالاخره امروزه ما با آن‌ها عملاً درگیر هستیم و مسایل و مباحث این چنینی که فقط با تضمین زندگی عملی ما مجال بروز می‌یابند، به‌دست همین جریانات رقم می‌خورند. کتاب «اسلام» اما، گویا نخواسته که با دخالت در این حوزه، خودش را به درد سر بیندازد.

از این‌ها که بگذریم، حرف من این است که امروزه در غرب، از زبان به تعبیر هایدگر، به‌مثابه خانه‌ی وجود انسان یاد می‌گردد؛ پدیده‌ی که هستی و عقلانیت انسان در آن تجلی پیدا می‌کند. این‌جا اما، در نبود عقلانیت، زبان روپوشی شده بر ماهیت هستی انسان‌ها و حقیقت‌شان در پس دیوار ضخیم و تودرتوی زبان مخفی گردیده است. با این دید، معتقدم که «اسلام» با جلوه‌ی بارزی از بازی با زبان، در واقع توجیهی است از نبودگی جدیت در متن «اسلام». این کتاب در واضح‌ترین تعبیر، یک بازگویی از درد است نه چاره‌سازی آن، و بازگویی صرفاً نمایان‌گر شدت درد است در جان ما نه تلاشی در جهت یافتن راه نجات از شر آن. لذا من به این باورم که «اسلام» از این لحاظ، خیلی فقیر و ضعیف نموده است. کتاب با ادعای معرفت‌یابی بر خلاها و گسست‌هایی که دامنگیر جهان اسلام شده، خود از خلا دیگری رنج می‌برد و آن خلا، قطع نظر از این که از اسلام امروزی خیلی دوری اختیار نموده (و این در نفس خود مسأله‌ی مهمی است)، نبود برخورد تحلیلی با متون گذشته است. گزارش است و گزارش از گذشته‌های دور و دست‌نارس به‌خودی‌خود، متضمن رساندن نفعی به اکنون نیست. امیری گویا خواسته به‌عوض

«قرائتی از اسلام»، تذکره‌نامه‌ی مختصری از متفکران گذشته‌ی جهان اسلام به‌دست دهد. فرازها پی‌هم از متون کهن برش یافته و حجم غالب کتاب را به خود اختصاص داده، بدون این که از جانب نویسنده برخورد قابل تأملی با آن‌ها صورت گرفته باشد و بدین‌سان کتاب را تبدیل کرده به یک بازروایی صرف از متون کهن اسلامی. بازروایی متون کهن و محصور ماندن در قفس کهنه‌نفس آن‌ها، مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه اهمیت کار در استفاده از آن‌ها به سود حال است که با تأسف در «اسلام» چنین استفاده‌ی، سخت غایب می‌نماید.

حرف آخر این که، به باور من امیری هم در این کتاب و هم به‌صورت ملموس‌تری در «خرد آواره»، دچار یک‌نوع سلفی‌گری (امید به زنده شدن دوباره‌ی معرفت و مرام گذشته) شده است و این سخن را در نگاه حسرت‌بارش به عقب، می‌توان به‌روشنی دریافت. آخرین نقل قول در «اسلام» جمله‌ی است از محمد: «بهترین قرن‌ها قرن من است و بعد از آن قرن‌هایی که به دنبال آن می‌آیند» (ص ۳۲۹) و آخرین بخش کتاب «خرد آواره» هم که به‌نحوی توصیف زمان حال است، «قرن‌های بد» نام گرفته است. هرچند که ظاهراً آورنده‌ی این قول از «فرصت و رخصت نوسازی ایمان بر پایه‌ی واقعیت‌های تازه» حرف می‌زند (همان)، اما آن‌چه که کلیت کتاب می‌رساند، بیان‌گر این است که قول بالا بهترین زبان حال نویسنده بوده: نگاه نوستالژیک به گذشته و بدبینی نسبت به حال. درست است که اسلام در آغاز شاهد موجودیت متفکران خوب و زیادی هم بوده، اما مسأله این‌جاست که هر یک از آنان، میراث‌گران سنگی را از جهان عقلانی دیگر بر شانه‌های خود حمل می‌کرده بوده و کمتر متفکری را می‌توان یافت که بدایت و نهایت اندیشه و عقلانیت‌اش محصول «اسلام ناب» بوده باشد. فکر می‌کنم از آن‌جایی که امیری در «خرد آواره» از تأثیر یونانی‌ها به‌ویژه ارسطو بر اندیشه‌ورزان نخستین اسلامی همچون فارابی، ابن سینا، ابن رشد و دیگران سخن می‌گوید، از چنودچون این موضوع به‌خوبی باخبر است. لذا، پافشاری یک‌سره بر آن عقلانیت گم‌شده و دل را در گرو گم‌شدگی هایش نهادن، درد انحطاط امروز را دوا نخواهد کرد. چه این که، نه آن عقلانیت محصول اسلام بوده و نه هم زوالش شاید تنها گناه مسلمین. پایان سخن این که، «اسلام» معبری است به عقب، اما یک‌طرفه؛ رفتنی بدون برگشت!

والسلام، نامه تمام.

مدربیت پاریس» نوشته‌ی دکتر سید حسن اخلاق می‌کنم که در ضمن روشن‌سازی مسأله و نسبتش با امروز ما، در آغاز می‌گوید: «این مقاله نه در صدد تجلیل صرف از فارابی و گنجاندن او در عاقل فیل که تنها می‌تواند احساس تاریخی و تمنیات روانی ما را ارضاء نماید، بلکه به‌دنبال کشاندن فارابی در متن زندگی ما و به‌پرسش کشیدن وی در برابر چالش‌های فراروی ماست. عظمت فارابی تنها در آن نیست که وی یکی از بزرگترین فیلسوفان تاریخ افغانستان و اسلام است، بلکه بیشتر از آن بدان‌خاطر است که وی می‌تواند ما را به تعمق فلسفی فراخواند و ما را جرأت اندیشیدن و فلسفیدن بخشد... تاریخ فلسفه و فلسفه‌ی امروزی هر دو به‌ما نشان داده است که فلسفه بیش از مآخوختن آراء و نظریه‌ها، مآخوختن اندیشیدن و فلسفیدن است» (صص ۵۲-۵۳).

صورت‌بندی و تبیین دانایی با چنین رویکردی نه به صرفه است و نه ارزش‌مند و نه هرگز آن «طرح راه شب» از درون این گونه برخورد‌های روایی صرف بیرون خواهد شد (حساب «خرد آواره» از این مسأله تا حدی جداست). اما امیری در این جلوه، یک تاریخ‌نگار خوبی هم نبوده است؛ نقل قول پشت نقل قول و همه بدون تفسیر و... به تعبیر مهدی خلجی وظیفه‌ی مورخ این نیست که رویدادهای تک‌افتاده را گرد آورده و آن‌ها را به‌صورت خام عرضه کند، بلکه باید همه را بر حسب نیازهای کنونی‌اش سازمان دهد، آن‌گاه دست به توضیح و تأویل آن‌ها بزند. (ارکون، از اجتهاد... پیشگفتار، ص ۲۴) که در «اسلام» چنین چیزی سخت غایب است.

امیری هرچند که در «اسلام» و مهم‌تر از آن در «خرد آواره»، به حوزه‌ی نیندیشیدگی‌ها پا گذارده (مفاهیم «خواب» و «آوارگی» خرد بیان‌گر همین نیندیشیدگی‌اند) و با پرداختن به احوال فراموش‌شده‌ی مدیران عقلانیت «آواره»، نوعی خطرکردن را سبب شده، اما این کارش به‌نظر من چندان هم ثمربخش نمی‌تواند بود از آن‌جایی که احساس می‌کنم این بنایش بر عیار تحلیل و تأویل استوار نگردیده است. کنش‌های اجتماعی و الزامات چالش‌های سیاسی در این کتاب به کلی نادیده گرفته شده‌اند، مگر در بخش سوم کتاب که خیلی هم مختصر و موجز به «اسلام معاصر» پرداخته است. این برخورد، روشن است که قادر نیست رابطه‌ی اسلام و سیاست را در گذشته‌های تاریخی و زمانه‌ی خلق متن‌هایی که امیری آن‌ها را به‌عنوان نماینده‌ی ظهور عقلانیت در اسلام در نظر گرفته، روشن نماید. چه بسا امیری با این شیوه‌ی برخوردش، خود به‌گونه‌ی نقش قدسیت‌بخشی را عهده‌دار شده است که با تأکید یکسره بر گذشته و آن‌هم در نزد افراد خاصی، به‌طور تلویحی به آن شخصیت‌های

مؤسسه انتشارات عرفان

عقل

مؤسسه انتشارات عرفان

مژده به اهالی فرهنگ و ادب
با خرید یک دوره کتاب سراج التواریخ ۱-۲-۳
یک دوره کتاب افغانستان در مسیر تاریخ
هدیه دریافت کنید.

آدرس: کابل چوک دهبوری،
چهار راه شهید، روبروی مسجد، منزل دوم

شماره‌های تماس: ۰۷۹۹۳۴۹۷۲۷ / ۰۷۹۳۲۵۴۵۲۹

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید					
Subscribe to Daily Etilaat Roz		برای ادارات دولتی و شرکتهای		برای متعلمین و محصلین	
6 Months	120\$ USD	۳۰۰۰ افغانی	نشن ماهه	۲۰۰۰ افغانی	نشن ماهه
Annual	200\$ USD	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله
یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می گردد.					

zaki.daryabi2@gmail.com

سردبیر: جواد ناجی

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگران: راحله رسیل، الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریایی

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریایی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا



محل نزاع؛ عمر حکومت یا ریاست اجراییه؟

دیشب در تلویزیون بی‌بی‌سی در مورد اظهارات اخیر جان کری، وزیر امور خارجه ایالات متحده و مباحث مربوط به عمر حکومت وحدت ملی، همراه با سخنگوی شورای حراست و ثبات، جناب آقای مسعود ترشتوال حضور داشتم.

نکات و محورهای اصلی این مبحث از دید بنده به این قرار بیان شد:
۱. اظهارات آقای جان کری از دو منظر قابل تحلیل است: یکی از این منظر که ایشان شاهد شکل‌گیری حکومت وحدت ملی بوده و به حیث گواه قضیه اظهارنظر کرده است. در این فرض، اگر ابتدا سران حکومت وحدت ملی در مورد تاریخ انقضای موافقت‌نامه مربوط، سخن می‌گفتند و آنگاه حامیان بین‌المللی افغانستان از جمله آقای کری اعلان حمایت می‌کرد، به مراتب موجه و مناسب بود. از دید دیگر، ایشان قرائت خود از موافقت‌نامه را بیان نموده و برای سران حکومت وحدت ملی مقبول افتاده است. در این فرض، اظهارات ایشان برای افغانستان پیامد سیاسی دارد.

۲. در بحث جاری، نزاع اصلی و اصولی بر سر دوام و بقای ریاست اجراییه است نه حکومت. زیرا انتخابات سال ۱۳۹۳ با تمام نقایص و معایب، باطل نشد؛ پس حکومت به نحوی محصول انتخابات است. به علاوه هر سه سند مربوط به حکومت وحدت ملی؛ چارچوب سیاسی (۱۳۹۳/۴/۲۱) اعلامیه مشترک (۱۳۹۳/۵/۱۷) و موافقت‌نامه ساختار حکومت وحدت ملی (۱۳۹۳/۶/۲۹) با صراحت و قاطعیت حکم می‌کند که در ظرف دو سال باید اقدامات اصلاحی لازم صورت گرفته و مهم‌تر از همه، لویه‌جرگه قانون اساسی دایر شود تا در مورد ایجاد صدارت اجرایی به جای ریاست اجرایی، تصمیم بگیرد تا حضور تیم دوم در ساختار حکومت، قانونمند شود. پس در ختم دو سال، اعتبار ریاست اجرایی مخدوش می‌گردد که ناشی از اجماع سیاسی است. (ضمناً برای تحلیل و ارزیابی قضیه نباید مسئله اصلی در منازعات پسانتخابات را فراموش نماییم.)
۳. حکومت وحدت ملی تا کنون در انجام تعهدات خود ناکام بوده است. بسیار بعید، نامحتمل و حتا ناممکن است که بتواند در مدت باقی‌مانده از پس آن‌ها برآید؛ مگر این‌که به سازوکارهای عرفی متوسل گردد تا برخی مسائل مهم را حل نماید.

۴. اصرار حلقات و گروه‌های سیاسی مخالف بر ختم حکومت و پافشاری حامیان بین‌المللی از جمله آمریکا بر دوام آن، بحران دیگری برای افغانستان رقم خواهد زد. در این میان، حکومت وحدت ملی نقش تعیین‌کننده دارد تا با پرداختن به جلب رضایت مخالفان سیاسی و رایزنی با حامیان بین‌المللی، از وقوع بحران جلوگیری نماید.

۵. هرچند بعید است این گروه‌ها و حلقات بتوانند روی محور مشترکی به توافق برسند و مطابق برنامه واحد برای تغییر وضعیت به پیش بروند اما فرصت قابل توجه برای ایشان، نارضایتی روزافزون مردم از حکومت است که زمینه را برای مانور سیاسی و تبلیغاتی آن‌ها بیشتر فراهم می‌کند؛ امری که متأسفانه از سوی حکومت یا نادیده گرفته می‌شود یا بدلیل ضیاع فرصت‌های ممکن، قابل جبران نیست.



Farid Barzgar

تخار را در سه چهار روز اخیر به یکی از بحرانی‌ترین و آسیب‌پذیرترین استان‌ها از لحاظ امنیتی بدل کرده‌اند. خشونت‌های مسلحانه که به هیچ‌وجهی قابل بخشایش نیستند. قانون و نظام و اصول

رویارویی انسانی در کل زیر پا شده است. ظاهراً همه اتفاقات تصادفی صورت گرفته‌اند اما اگر در یک نگاه دیگر ناامن سازی تخار را بخشی از یک پروژه بینیم، آن‌هم همزمان با آغاز فصل جنگ با طالب و داعش، ظرفیت‌های محلی به شکل طبیعی مواد خام این برنامه شده‌اند. حمله به فرمانده قهار خرم آبی که خودش را در جنگ قندوز تثبیت کرده بود، کلاً نمی‌تواند بی‌ربط به برنامه ناامن سازی تخار باشد. از چند اتفاق اخیر هیچ کدام توجیه‌پذیر نیستند اما در جبهه‌ی دیگر حلقات مشخصی به سود خودشان این قضایا را قومی و سمتی جلوه می‌دهند و دامن می‌زنند و این پرهیزترین کاریست که بر تخاریان روا داشته می‌شود. اوزبیک‌ها و تاجیک‌ها و اقوام دیگر ساکن تخار خانواده‌های هم هستند و مثل خون در رگ‌های روابط اجتماعی یکدیگر جریان دارند. این مردم را نباید قربانی عملکردهای افراد و حلقات مشخص متعلق به این اقوام بسازیم.

حکومت محلی تخار، شورای ولایتی و مراجع قانونی باید برای مهار این وضعیت از هیچ تلاش و امکانی فروگذارند. ما همین اکنون باید آماده‌ی یک نبرد تمام عیار با دشمن حاضر مان (داعش و طالب) باشیم. دوستان خبرنگار، فعالان مدنی، بزرگان قومی و سیاستمداران، نباید کنش‌های محاسبه‌ناشده بیرون دهند که تنش داخلی اوج بگیرد. لطفاً از قانون و مدارا حمایت نمایند تا این خلق به‌جان هم نیافتند. برای صلح، برای آزادی!
روح شهدا شاد و به زخمی‌ها شفای عاجل تمنا می‌کنم.



يعقوب يسنا

کرزی صاحب از نخبگان کشور خواسته است که به خارجیان و به نفع خارجیان خدمت نکنند (منبع: تلویزیون طلوع). جناب کرزی، این سخن تان نخست، توهین به نخبگان (البته نمی‌دانم نخبه کیست!) کشور و اتهام به نخبگان کشور است؛ اگر کدام سند دارید که نخبگان به خارجی خدمت می‌کنند یا دست‌نشانده خارجی هستند، واضح بگویید! دوم، این نخبگان بودند یا شما بودید که با خارجی آمدید و به خارجی خدمت کردید؛ تا خارجی گذاشت در قدرت باشی، خارجی خوب بود، حالا که خارجی نخواست باشی، بناءً به نفع شخصی‌ات، مخالف خارجی شده‌ی؛ لطفاً با سرنوشت ملت برای منفعت شخصی‌ات، بازی مکن؛ ملت فریب تان را نمی‌خورد و به شما اعتماد نخواهد کرد؛ زیرا اساس فساد و ناامنی... همه هنگام حکومت شما اساس گذاشته شده است؛ حالا ملت رنج و دردش را می‌کشد!

آزمایش ناموفق یک موشک در روز تولد بنیانگذار کره‌ی شمالی



اطلاعات روز: همزمان با سالروز تولد کیم ایل سونگ، بنیانگذار کره‌ی شمالی و پدر رهبر این کشور، کره‌ی شمالی یک موشک جدیدی را آزمایش کرد اما کره‌ی جنوبی می‌گوید که این آزمایش ناموفق بوده است.

ستاد مشترک ارتش کره‌ی جنوبی با نشر بیانیه‌ی گفته‌ی است که «به نظر می‌رسد کره‌ی شمالی در ساحل شرقی خود، صبح روز جمعه، دست به پرتاب موشکی زده که ظاهراً موفقیتی نداشته است».

رویتز به نقل از یکی از سخن‌گویان وزارت دفاع آمریکا نوشته است که ارتش آن کشور «آزمایش ظاهراً ناموفق موشکی کره‌ی شمالی را ردیابی و رصد کرده است».

ستاد هوا-فضای امریکای شمالی گفته است که این موشک تهدیدی برای منطقه شمال آمریکا به‌شمار نمی‌رود.

در همین حال مقام‌های کشور کره‌ی جنوبی گفته‌اند که نوع یا برد موشک آزمایش شده هنوز معلوم نیست.

کره‌ی شمالی در حالی دست به آزمایش

موشکی جدید می‌زند که در ماه‌های اخیر یک بمب هایدروژنی را آزمایش کرد که با واکنش‌های زیادی مواجه شد. این کشور ششم جنوری آزمایش اتمی انجام داد و در هفتم فیبروری هم یک پرتاب ماهواره‌ای داشت که هردو ناقص تحریم‌های جاری سازمان ملل متحد خوانده شده است.

پس از انجام این آزمایش‌ها، این کشور با تحریم‌های تازه‌ی سازمان ملل و امریکا روبه‌رو شد.

به نقل از رادیو فردا و به گزارش یون‌هاپ؛ خبرگزاری رسمی کره‌ی جنوبی، کره‌ی شمالی به روز پنج‌شنبه اعلام کرد که قصد دارد در روز تولد کیم ایل سونگ دست به پرتاب یک یا دو موشک میان‌برد بالستیک بزند.

در همین حال، فرمانده ستاد شمالی ارتش ایالات متحده گفته بود که برآوردها نشان می‌دهد که کره‌ی شمالی به توانایی کوچک‌کردن کلاهک هسته‌ای برای نصب بر موشک رسیده و ممکن است با استفاده از موشک «کی‌ان-صفر هشت» به خاک امریکا دسترسی پیدا کند.

وزیر دفاع ایران برای خرید جنگنده‌های روسی به مسکو سفر می‌کند



اطلاعات روز: وزیر دفاع ایران قرار است به روسیه رفته و با مقامات مسکو در باره‌ی خرید جنگنده‌ی سوخو ۳۰ و تانک تی ۹۰ گفت‌وگو کند.

خبرگزاری انترفکس روسیه نوشته است که این سفر قرار است در روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۲۶ و ۲۷ اپریل، انجام شود. در این سفر وزیر دفاع ایران، حسین دهقان، با سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه، دیدار و درباره‌ی مسایل مختلف رایزنی خواهد کرد.

آقای دهقان اواخر سال گذشته در گفت‌وگو با شبکه‌ی دوم صدا و سیما ایران گفته بود که به‌زودی ایران قرارداد خرید جنگنده‌های روسی «سوخو ۳۰» را امضا می‌کند. او گفته بود که توجه جلدی به نیروی هوایی و جنگنده‌ها نیاز کنونی ایران است؛ هرچند او از تعداد و قیمت جنگنده‌های سوخو ۳۰ چیزی نگفت.

به نقل از رادیو زمانه، روسیه تاکنون ۵۰۰ فروند جنگنده‌ی «سوخو ۳۰» ساخته و قیمت هر

واکنش جان کری به پروازهای جنگنده‌های روسی بر فراز کشتی دونالد کوک امریکا

اطلاعات روز: پس از آن‌که دو جنگنده‌ی روسی در دریای بالتیک بیش از ده پرواز در نزدیکی یک ناوشکن موشک‌انداز امریکایی انجام دادند، اکنون جان کری، وزیر امور خارجه‌ی امریکا، در واکنش به این امر می‌گوید که اگر ارتش این کشور جنگنده‌های روسیه را هدف قرار می‌داد در چارچوب حقوق خود عمل کرده بود.

روز دوشنبه جنگنده‌های سوخو-۲۴ روسی که ظاهراً مجهز به هیچ سلاحی نبودند، از فاصله چندین متری کشتی نظامی امریکا پرواز کردند.

به نقل از بی‌بی‌سی فارسی، وزارت دفاع روسیه گفت که جت‌های سوخو-۲۴ پس از نظارت بر ناوشکن یواس اس دونالد کوک «در پیروی همه‌ی تدابیر ایمنی دور شدند».

اما وزیر خارجه‌ی امریکا از این اقدام انتقاد کرده و گفته است که در این مورد با مسکو تماس گرفته است. او در مصاحبه‌ی مشترکی با روزنامه‌ی میامی هرالد و سی‌ان‌ان گفت: «این رفتار بی‌خرانه، تحریک‌آمیز و خطرناک بود و ما براساس مقررات جنگی حق ساقط کردن آن را داشتیم».

او افزود که امریکا «در آب‌های بین‌المللی مرعوب نخواهد شد» و پیامی در مورد خطرات چنین رفتاری به روسیه ارسال شده است.

اما وزارت دفاع روسیه گفته است که کشتی امریکایی در زمان حادثه از نزدیکی یک پایگاه نیروی دریایی روسیه عبور می‌کرده است. این وزارت نوشته است: «پس از مشاهده‌ی کشتی، خلبانان روس در پیروی کامل از تدابیر ایمنی از آن دور شدند».

«همه‌ی پروازهای هواپیماهای روسیه در پیروی دقیق از مقررات بین‌المللی در زمینه‌ی استفاده از آسمان بر فراز آب‌های بی‌طرف صورت می‌گیرد».

امریکا مدعی است که ناوشکن دونالد کوک مشغول انجام تمرین‌های نظامی به همراه یک هلیکوپتر بود که جت‌های روسی از فاصله‌ی ۹ متری ناوشکن رد شدند به‌طوری که آب دریا در اطراف کشتی متلاطم شد.

در همین حال یک مقام امریکایی گفته است این پروازها «یکی از پرخطرترین اقدامات در دوران اخیر» بوده است.

ارتش امریکا مدعی است که هواپیماهای روسی به هشدارهای ایمنی به زبان روسی و انگلیسی واکنش نشان ندادند.

در ۴۸ ساعت ۳۰ هزار نفر از شهر حلب در شمال سوریه فرار کرده‌اند

اطلاعات روز: دیده‌بان حقوق بشر می‌گوید که در ۴۸ ساعت گذشته حدود ۳۰ هزار نفر در نتیجه‌ی درگیری‌ها در اطراف شهر حلب در شمال سوریه مجبور به ترک منطقه شده‌اند.

به گزارش بی‌بی‌سی، دیده‌بان حقوق بشر از ترکیه خواسته است تا مانع عبور پناهنجویان نشده و مرزهایش را برای پناهنجویان باز بگذارد. این نهاد ترکیه را متهم می‌کند که به‌سوی شماری از پناهنجویان تیراندازی کرده است.

گری سیمپسون، یکی از کارشناسان دیده‌بان حقوق بشر گفته است: «در حالی که غیرنظامیان از پیکارجویان داعش فرار می‌کنند، ترکیه به جای کمک با تجهیزات نظامی به آن‌ها پاسخ می‌دهد».

این نهاد مدعی است که بسیاری از افرادی که در حال فرار هستند، در اردوگاه‌هایی که در امتداد مرز ترکیه و سوریه ایجاد شده است، به‌سر می‌برند. این افراد به‌دلیل نبود امنیت در شهرها و دهکده‌ها به‌سوی این اردوگاه‌ها می‌گریزند.

در اطراف شهر حلب پس از آن درگیری صورت می‌گیرد که توافق ترک محاصره پس از هفت هفته برای اولین بار نقض می‌شود؛ توافقی که طی این مدت با حمایت روسیه در بخش‌هایی از سوریه اجرا شده است. این افراد درحالی از شهر حلب فرار می‌کنند که جنگ چندین ساله در سوریه دست‌کم ۲۵۰ هزار نفر کشته برجای گذاشته و میلیون‌ها نفر دیگر را آواره کرده است.

رونالدو: با توصیه ناواس ضربه ایستگاهی گول شد

ثمر رسید و حال ستاره پرتگالی مدعی شد که با توصیه‌های ناواس بوده که توانسته گول زنی کند.

او گفت: ما با هم تمرین می‌کنیم. برای این که این موضوع را به شما می‌گویم، او من را خواهد کشت ولی او به من گفت که باید آرام به سمت توپ بروم و تمام مسیر را با قدرت ندوم زیرا او می‌دانست که من گول خواهیم زد.

کریستیانو رونالدو، ستاره رئال مادرید عنوان کرد که تکنیک جدید زدن ضربات ایستگاهی را از کیلور ناواس یاد گرفته است.

فوق ستاره پرتگالی مقابل ولفسبورگ موفق شد هت‌تریک کند تا رئال با اتکا به گول‌های او، در نهایت ۳-۲ پیروز شده و به نیمه‌نهایی صعود کند. گول سوم او روی یک ضربه ایستگاهی بسیار زیبا به

گواردیولا:

اتلتیکو در سطح بارسا و رئال است

بهترین فرم بودند. من در این چند سال به دقت لیگ اسپانیا را زیر نظر داشتم و می‌دانم که اتلتیکو مادرید چه تیم خوبی است. همه همیشه در مورد بارسا و رئال صحبت می‌کنند اما در ۵ سال گذشته، اتلتیکو هم در سطح آن‌ها بوده است. آن‌ها در اندازه‌های بارسا و رئال هستند. بارسا در ۱۰ سال گذشته بهترین تیم دنیا بوده اما اتلتیکو در ۳ سال اخیر، دو بار آن‌ها را حذف کرده است. این نشان می‌دهد که آن‌ها چه حریف دشواری هستند. امیدوارم همه بازیکنانم را برای این دو دیدار در اختیار داشته باشم.

پپ گواردیولا، سرمربی بایرن مونیخ، پس از قرعه‌کشی مرحله نیمه‌نهایی رقابت‌های لیگ قهرمانان، اعلام کرد که اتلتیکو مادرید، حریف تیمش در این مرحله، در اندازه‌های بارسا و رئال است. دیروز قرعه‌کشی مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان انجام شد و مشخص شد که باورایی‌ها باید در مرحله بعد با شاگردان دیگو سیمئونه روبرو خواهند شد؛ تیمی که گواردیولا معتقد است از دو گول فوتبال اسپانیا چیزی کم ندارد. او به خبرنگاران گفت: تیم‌های اسپانیایی در رقابت‌های اروپایی چند سال اخیر همیشه در

زیدان: چانس مان از سیتی بیشتر است

با داشتن کریس همیشه شرایط به همین شکل است. لحظاتی هست که یک مهاجم گول نمی‌زند اما کریس هرگز نیاز ندارد که نگران باشد زیرا همیشه گول می‌زند. می‌توانید از چهره‌اش بخوانید که خوشحال است. ما از همه چیز راضی هستیم. همیشه تلاش می‌کنیم تا مطمئن شویم بازیکنان در بهترین شرایط هستند. کریس مقابل خفاه بازی خواهد کرد.

نتایج ضعیف اخیر بارسا در لالیگا باعث شده تا اختلاف رئال با این تیم در صدر جدول به ۴ امتیاز کاهش پیدا کند. به همین دلیل زیدان از شاگردانش خواست تا با حفظ تمرکز، به تلاش‌شان برای فتح لالیگا ادامه بدهند: آن‌چه در تیم بارسا رخ می‌دهد، تأثیری روی ما ندارد. ما تنها روی کار خودمان تمرکز داریم. ما از نظر فیزیکی در فرم فوق‌العاده هستیم و هم‌چنان بهتر می‌شویم.

من از روند اوضاع در حال حاضر بسیار راضی‌ام. اگر در پایان فصل به جام برسیم، به خاطر سخت‌کوشی‌مان است. تنها یک تیم می‌تواند قهرمان لالیگا شود. نمی‌خواهم در مورد شرایط بارسا صحبت کنم. نمی‌خواهم در مورد تیمی که در حال حاضر خوب کار نمی‌کند حرف بزنم؛ در حالی که ما خوب کار می‌کنیم. نمی‌توانیم اجازه بدهیم گاردان باز شود. باید متمرکز بمانیم و به همین مسیر ادامه بدهیم.

زین الدین زیدان، سرمربی رئال مادرید، معتقد است که تیمش نسبت به منچستر سیتی، چانس بیشتری برای رسیدن به فینال چمپیونزلیگ دارد اما تأکید کرد که نباید حریف انگلیسی را دست کم بگیرند.

دیروز قرعه‌کشی مرحله نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان انجام شد و مشخص شد که رئالی‌ها در این مرحله باید به مصاف مردان مانوئل پیگرنی بروند.

زیدان معتقد است تیمش در این رویارویی دست بالا را خواهد داشت اما تأکید کرد نباید اشتباهات مرحله قبل مقابل ولفسبورگ را تکرار کنند.

او به خبرنگاران گفت: رئال مادرید همیشه چانس بیشتری از حریفان دارد و در دیدار مقابل منچستر سیتی هم شرایط به همین شکل است. اما سیتی تیم فوق‌العاده‌ای است. نمی‌خواهم بشنوم که بگویند سیتی حریف ساده‌ی است. می‌گفتند ولفسبورگ هم تیم قدرتمندی نیست اما دیدیم چه اتفاقی رخ داد.

من منچستر سیتی را حریفی قدرتمند می‌دانم؛ مانند رم و ولفسبورگ هم که حریفان دشواری بودند. نکته مثبت این است که دیدار برگشت را در خانه انجام می‌دهیم. نبرد پایانی خواهد بود.

کریس رونالدو در دیدار برگشت مرحله یک چهارم نهایی مقابل ولفسبورگ هت‌تریک کرد و رئال را به مرحله بعد رساند. زیدان تأکید کرد همیشه می‌تواند به این ستاره پرتگالی برای گول‌زنی اعتماد کرد:

ورزش

ژاوی: هیچ‌گاه نگفتم

رونالدو کم هوش است!

ژاوی، هافبک سابق بارسلونا عنوان کرد که هیچ‌گاه این ادعا را مطرح نکرده که رونالدو به خاطر کم‌تر بودن هوشش از مسی، در رده‌ی پایین‌تری قرار می‌گیرد.

او در مصاحبه با سایت THE NEW ARAB، درباره تفاوت‌های مسی و رونالدو صحبت می‌کرد که به نظر ترجمه نادرستی از صحبت‌هایش انجام شده و این‌طور بازگو شده که رونالدو، بهره هوشی پایین‌تری از مسی دارد. با این حال، ژاوی این موضوع را رد کرد و گفت که هیچ‌گاه چنین چیزی نگفته است.

او گفت: ترجمه صحبت‌های من اشتباه بود. من گفتم دو نوع سرعت مهم در فوتبال وجود دارد. یک وجهه فیزیکی سرعت است که رونالدو و مسی در یک سطح هستند. یک وجهه ذهنی است که شما باید سریع با هم‌تیمی‌های‌تان هماهنگ شوید و ارتباط سریع داشته باشید که در این وجهه، مسی از رونالدو در سطح بالاتری قرار دارد.

رونالدو به نظر بازیکنی نمی‌آید که در هماهنگی با هم‌تیمی‌هایش به مسی برتری داشته باشد. او زیاد پاس نمی‌دهد و برای همین است که من مسی را بهترین بازیکن دنیا می‌دانم. او هر دو سرعت را دارد، هم سرعت فیزیکی و هم سرعتی که باعث می‌شود با هم‌تیمی‌هایش هماهنگ شود. من هیچ‌گاه راجع به هوش و یا عدم بهره هوشی رونالدو حرفی نزنم.

رانیری: دوست دارم

در لستر بازنشسته شوم

کلودیو رانیری، سرمربی لستر سیتی، اعلام کرد دوست دارد قراردادش را برای ۷ سال با این باشگاه تمدید کند و قصد ندارد هدایت تیم ملی ایتالیا را برعهده بگیرد. رانیری که در این فصل با لستر سیتی نتایج بسیار درخشانی گرفت و در آستانه قهرمانی در لیگ برتر است، به عنوان گزینه جدی جانشین آنتونیو کونته بعد از رقابت‌های یورو ۲۰۱۶ مطرح است. اما او ابراز امیدواری کرد که در کینگ پاور بازنشسته شود.

او به نشریه آلمانی کیکر گفت: از بودن در این‌جا بسیار خوشحالم و به تغییر فکر نمی‌کنم. فکر می‌کنم لستر سیتی آخرین مقصد من به عنوان سرمربی خواهد بود.

امیدوارم آن‌ها یک قرارداد طولانی مدت با من امضا کنند؛ قراردادی ۶ یا ۷ ساله. پس از آن در همین جا از فوتبال خداحافظی می‌کنم.

او هم‌چنین در پاسخ به این‌که راز نتایج درخشان تیمش در این فصل را چه می‌داند، گفت: ما رازی نداریم. ما تنها به شکلی عمل کردیم که کسی انتظار نداشت.

کنار گذاشتن بنزما،

تصمیم بسیار دشواری بود

نول لو گرانه، رئیس فدراسیون فوتبال فرانسه، تأیید کرد که کنار گذاشتن کریس بنزما از فهرست خروس‌ها برای یورو کار دشواری بود اما تأکید کرد مسئله مهم، حفظ تیم فرانسه از حواشی بود.

بنزما متهم است که در پرونده اخاذی از متیو والبوئتا با استفاده از یک نوار ویدئویی غیراخلاقی نقش داشته و به همین دلیل، اعلام شد که او در فهرست فرانسه برای یورو ۲۰۱۶ حضور نخواهد داشت.

لوگرانه به نشریه اکیپ گفت: همان‌طور که می‌توانید تصور کنید، گرفتن این تصمیم بسیار دشوار بود. بار دیگر تکرار می‌کنم که من این پسر را دوست دارم اما ما باید از تیم ملی فرانسه محافظت کنیم. اگر او را انتخاب می‌کردیم، در طول یورو، دایماً باید در مورد او جواب می‌دادیم. اکنون این تیم است که می‌برد یا شکست می‌خورد. اکنون زمان مناسبی بود تا توجه‌مان را معطوف سایر بازیکنان کنیم. آن‌ها هستند که بازی می‌کنند و شایسته این مسئله هستند. بازی گریزمان مقابل بارسلونا را تماشا کردید؟ دیدید که چه بازیکنان جوانی داریم؟ خط حمله فرانسه به ندرت چنین استعدادهایی داشته است. صریح بگویم، اصلاً نگران نیستیم. هدف ما همان قبلی است. می‌خواهیم به نیمه‌نهایی برسیم یا حتی دستاورد بهتری داشته باشیم.

عصبانیت ستاره‌های بارسا

از لوئیس انریکه

میدان کرد که نتیجه‌ی هم نداشت.

موندو دیپورتیوو در همین رابطه گزارش داده است که در راه بازگشت از سن سباستین به بارسلونا، بازیکنان بزرگ و تاثیرگذار رختکن بارسلونا، در هواپیما جلسه‌ی تشکیل داده و تصمیمات فنی انریکه را زیر سوال برده اند. آن‌ها به خصوص در مورد بازی کردن رافینیا که پس از ۶ ماه مصدومیت به تازگی اجازه بازی را پیدا کرده معترض بودند.

البته مشکل بارسلونا همانند سال گذشته وخیم نیست اما شکست روز چهارشنبه در زمین اتلتیکو که به حذف این تیم از لیگ قهرمانان منجر شد، تردیدها را بار دیگر به این تیم بازگردانده است. آیا شورش دیگری در راه است یا این‌که انریکه بار دیگر ستاره‌های تیمش را به خود متقاعد خواهد کرد؟

به نظر می‌رسد که شوم بودن ورزشگاه آنوتتا برای بارسلونا در حال تبدیل شدن به یک سنت است.

ورزشگاه اختصاصی سوسیداد در حال تبدیل شدن به ورزشگاهی برای به حاشیه رفتن بارسلوناست. سال گذشته لوئیس انریکه در مقابل سوسیداد، مسی و نیمار را نیمکت‌نشین کرد. بارسا با گول به خودی آلبا باخت و بارسلونا به حاشیه عجیبی فرو رفت. امسال نیز این حادثه به نوعی دیگر تکرار شد. بارسلونا بدون ستارگانی چون راکیتیچ، اینیستا و آلبا مقابل سوسیداد قرار گرفت و در نهایت ۱-۰ مغلوب شد. انریکه در تصمیمی عجیب، سرجی روبرتو، آردا و رافینیا را به جای سه مهره اصلی خط میانی خود به میدان فرستاد و زمانی‌که به اشتباه خود پی برد، در نیمه دوم آن‌ها را وارد

آنچلوتی: رئال دیگر چانس مجدد

پیدا نخواهد کرد

سابق رئال در ستون خود در سینا اسپورت

نوشت: رئال مادرید باید مراقب باشد. تجربه به من می‌گوید که این تیم در لیگ قهرمانان دیگر چانس مجددی پیدا نخواهد کرد. اگر آن‌ها بازم به مانند بازی رفت برابر ولفسبورگ ضعیف ظاهر شوند، دیگر نباید منتظر یک بازگشت تاریخی در برنابو باشند. درخشش کریستیانو رونالدو باعث شد تا هواداران رئال بازی ضعیف تیم‌شان در مرحله رفت را فراموش کنند. زیدان و بازیکنانش باید بازی رفت برابر ولفسبورگ را چند بار ببینند و آن را خوب تحلیل کنند.

کارلو آنچلوتی به رئال مادرید هشدار داد که در نیمه‌نهایی لیگ قهرمانان نباید دو چهره متفاوت از خود نشان دهد.

رئال مادرید در یک چهارم نهایی لیگ قهرمانان به مصاف ولفسبورگ رفت اما در عین ناباوری در بازی رفت ۲-۰ شکست خورد تا کار صعودش به اما و اگر بکشد. رئالی‌ها البته با درخشش رونالدو موفق شدند در بازی برگشت ۳-۰ پیروز شده و به نیمه‌نهایی برسند. در این مرحله نیز آن‌ها حریف نه چندان دشواری چون منچستر سیتی را پیش رو خواهند داشت. در همین رابطه کارلو آنچلوتی، سرمربی

اتلتیکو-بایرن؛

فرصت انتقام پس از ۴۲ سال

روخی بلانکوس‌ها با گول لوئیس آراگونس فقید، ۱-۰ از بایرن پیش بودند اما دقیقه ۹۲ با دریافت گول تساوی، پیروزی را از دست دادند. طبق رسم آن دوران، کار به بازی تکراری کشیده شد که در آن بازی بایرن ۴-۰ پیروز شد و عنوان قهرمانی را کسب کرد. حال پس از ۴۲ سال، اتلتیکو این فرصت را دارد تا بلکه بتواند انتقام آن تراژدی تلخ را از بایرنی‌ها بگیرد؛ بایرنی که با هدایت گواردیولا چانس اول پیروزی خواهد بود.

پاسخ کوبنده کلوپ به یک خبرنگار

بنابراین باید برنامه‌های‌تان را به سطل زباله بیندازید. تغییر بازی کار آسانی نبود. بازی خیلی حساس بود و دورتموند رفته رفته افت کرد. پاسکاری‌های آن‌ها ضعیف شد و ما فرصت‌های خوبی به دست آوردیم.

به نظرم، اگر بازی به اندازه بازی امشب نزدیک باشد و دورتموند در دقایقی از تیم شما بهتر باشد، به شور و انگیزه نیاز دارید. ابتدا بازیکنان‌تان باید ایمان داشته باشند. تماشای این‌که با هر گول چه‌گونه به بازی بر می‌گشتم عالی بود.

کلوپ درباره رقبا گفت: تیم‌های اسپانیایی از ما قوی‌تر هستند. هیچ‌گاه نفهمیدم چرا بعضی می‌گفتند هر تیمی این بازی را ببرد جام را کسب خواهد کرد ولی اگر به فینال برسیم، کاملاً آماده خواهیم بود.

یورگن کلوپ، سرمربی دورتموند پس از پیروزی پنج‌شنبه شب تیمش مقابل دورتموند که مجوز حضور آن‌ها در نیمه‌نهایی لیگ اروپا را صادر کرد، پاسخ کوبنده‌ی به یک خبرنگار داد.

دژان لوورن گول پیروزی بخش لیورپول را در ثانیه‌های پایانی بازی به ثمر رساند تا شاگردان کلوپ، با شکست تیم سابقش راهی نیمه‌نهایی لیگ اروپا بشوند. قهرمانی در این جام، سهمیه حضور در لیگ قهرمانان فصل آینده را برای لیورپول صادر خواهد کرد ولی وقتی درباره چشم انداز کلوپ نسبت به کسب این جام سوال شد، او پاسخ کوبنده‌ی به خبرنگار داد.

او گفت: لطفاً سوالات مزخرف از من نپرسید. نقش من در این پیروزی زیاد مهم نبود. ما برنامه‌های خوبی برای نیمه اول داشتیم ولی دو گول خوردیم





ام تی ان آسان

سیمکارت جدید با یک نرخ به تمام شبکه های داخلی و ۱۰۰ ام بی انترنت رایگان

سیمکارت ام تی ان آسان را خریداری نموده و به تمام شماره های شبکه های داخلی دقیقه صرف در بدل ۲,۴ افغانی تماس بگیرید و بر علاوه از این ۵۰ افغانی کرایه و ۱۰۰ ام بی انترنت رایگان را نیز از آن خود سازید. همچنان شما میتوانید به تمام شماره های داخلی هر پیام کتبی را صرف در بدل ۱,۵ افغانی ارسال نموده و از هر یک ام بی انترنت در بدل ۱ افغانی مستفید شوید.

برای تبدیلی بسته فعلی خویش به ام تی ان آسان #۷۷۴* را صرف در بدل ۱۵ افغانی دایل نمایید.

برای مشاهده کردن ۵۰ افغانی کرایه رایگان #۷۸۹*۱ را دایل نمایید. برای مشاهده کردن ۱۰۰ ام بی انترنت رایگان #۷۸۹*۴ را دایل نمایید.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید. ثبت و رجیستر سیمکارت حتمی میباشد.
www.mtn.com.af | MTN Afghanistan | @MTNAF
LinkedIn | MTN Afghanistan | MTNAF

با شما در همه جا

یک پیشکش - دو مفاد



تماس به ۶ کشور جهان

این پیشکش به هندوستان، پاکستان، چین، مالیزیا، امریکا و کاتادا قابل استفاده میباشد



تماس از افغان بیسیم به افغان بیسیم

این پیشکش در کابل، پکتیا، پکتیکا، لوگر، وردک، پنجشیر، کاپیسا، بامیان، بلخ، سرپل، جوزجان، سمنگان، فاریاب، ننگرهار، لغمان، کنر، غزنی، پروان، غور و دایکندی قابل استفاده میباشد



برای اشتراک دایل نمایید
#۱*۴*۵۵۵*

